

مقایسه اخسان و رایانه

بازخوانی مرز میان آفرینش الهی و ساخته بشری

به کوشش: هیئت تحریریه فصلنامه ره‌آورد نور

چکیده

رایانه و فناوری‌های وابسته به آن، به‌ویژه هوش مصنوعی، از بزرگ‌ترین دستاوردهای بشر معاصر به شمار می‌آیند. این پدیده‌ها، توانایی انسان در فهم و شبیه‌سازی فرآیندهای ذهنی و رفتاری را به نمایش گذاشته‌اند و بسیاری را به این پرسش واداشته‌اند که آیا مرزی واقعی میان انسان و ماشین وجود دارد؟ مقاله حاضر، با رویکردی تطبیقی و میان‌رشته‌ای، به بررسی تفاوت‌های بنیادین میان «انسان آفرینش‌یافته از سوی خداوند» و «ماشین ساخته‌شده به دست بشر» می‌پردازد.

در این راستا، ابتدا توانایی‌های وجودی انسان مانند: آگاهی، اراده، خلاقیت و معنویت مورد تحلیل قرار گرفته و سپس، نشان داده می‌شود که رایانه و هوش مصنوعی، هرچند از انسان الهام گرفته و در حوزه‌هایی چون: دقت، سرعت و پردازش داده از او پیشی گرفته‌اند، اما فاقد جوهر آگاهی، احساس، اختیار و اخلاق‌اند.

در پایان، نتیجه گرفته می‌شود که انسان، موجودی الهی با ابعاد مادی و روحانی است و هیچ مصنوعی، هر اندازه پیشرفته، نمی‌تواند جایگزین او شود؛ زیرا روح خدا در انسان دمیده شده و همین عنصر، مرز نهایی میان آفرینش الهی و ساخت بشر است.

کلیدواژگان: انسان، کامپیوتر، رایانه، هوش مصنوعی، آگاهی، اختیار، الهام الهی، کرامت انسانی.

مقدمه

توسعه سریع فناوری‌های دیجیتال و ظهور هوش مصنوعی در دهه‌های اخیر، یکی از عمیق‌ترین تحولات تاریخ بشر را رقم زده است. امروز ماشین‌ها، نه تنها محاسبه و ذخیره اطلاعات را انجام می‌دهند، بلکه قادرند تحلیل، تصمیم‌گیری و حتی تولید متن، تصویر و ایده‌های خلاقانه را نیز شبیه‌سازی کنند. این تحولات، باعث شده است که بسیاری از اندیشمندان علوم طبیعی و انسانی بار دیگر این پرسش بنیادین را مطرح کنند که انسان چه ویژگی‌ای دارد که ماشین از آن بی‌بهره است؟ و یا به بیان دیگر، مرز میان آفرینش الهی و مصنوع بشری در کجاست؟

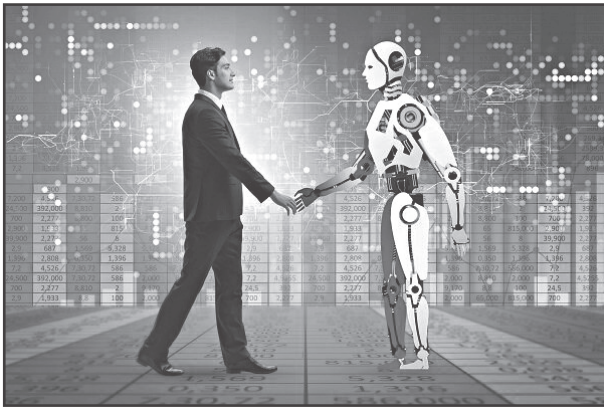
انسان از منظر فلسفه اسلامی، موجودی است دارای مراتب وجودی، ترکیبی از جسم مادی و روح الهی که با عقل، اراده و آگاهی معنا می‌یابد. قرآن کریم او را «خلیفه الله» و برگزیده‌ای از میان آفریدگان معرفی می‌کند که خداوند از روح خود در او دمیده است: «وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (حجر: ۲۹) همین روح الهی، سرچشمه آگاهی، خلاقیت، احساس و اختیار اوست. در مقابل، رایانه و ماشین‌های هوشمند، محصول ذهن و اراده انسان‌اند؛ ابزاری ساخته‌شده از ماده بی‌جان که بر اساس داده، الگوریتم و دستور عمل می‌کنند. اگرچه بشر در طراحی رایانه از ساختار ذهن و سیستم عصبی الهام گرفته و کوشیده است «تفکر» را به زبان ریاضی

ترجمه کند، اما آنچه در ماشین رخ می‌دهد، صرفاً پردازش اطلاعات است؛ نه ادراک معنا و نه تجربه آگاهی.

از این‌رو، مقایسه انسان و رایانه، تنها مقایسه‌ای میان دو نظام عملکردی نیست؛ بلکه رویارویی دو نوع هستی است؛ یکی مخلوق الهی با روح، معنا و ارزش، و دیگری مصنوع بشری با منطق صوری و محاسباتی. فهم درست این تفاوت، تنها یک بحث فقهی نیست؛ بلکه جهت‌گیری اخلاقی و معرفتی جامعه را در عصر فناوری تعیین می‌کند؛ عصری که در آن، خطر فروکاستن انسان به سطح ماشین، بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود.

این مقاله، در پی آن است که با نگاهی میان‌رشته‌ای، تفاوت‌های بنیادین میان انسان و کامپیوتر را از منظر فلسفی، علمی و دینی واکاوی کند. در این مسیر، ضمن بیان توانایی‌های شگرف انسان و نقش او در الهام‌بخشی به فناوری، به محدودیت‌های اساسی ماشین نیز اشاره خواهد شد و در نهایت، نشان داده می‌شود که هیچ الگوریتمی نمی‌تواند جایگزین آن روح الهی شود که جوهر وجود انسان است.

انسان؛ موجودی الهی با مراتب وجودی
انسان در فلسفه اسلامی، موجودی دوساحتی است؛ یعنی ترکیبی از جسم مادی و روح الهی که هریک نقش مهمی در شکل‌دهی



منامید؛ حال آنکه ماشین، تنها قادر است الگوهای موجود را بازتولید کند و «تقلید خلاق» انجام دهد.

۴. عاطفه و معنویت

انسان، موجودی عاطفی و معناجوست. او در ژرفای وجود خویش، نه تنها به دانستن و فهمیدن، بلکه

به دوست داشتن، باور داشتن و معنا بخشیدن نیز نیاز دارد. احساساتی چون: عشق، ترحم، امید، ایمان و عبادت، جلوه‌هایی از این بُعد درونی‌اند که ریشه در روح و فطرت الهی او دارند. «عشق و امید»، به انسان توان ادامه دادن می‌بخشد و «ترحم و دلسوزی»، پایه همدلی و عدالت اجتماعی را می‌سازد و «ایمان و عبادت»، او را با مبدأ هستی پیوند می‌دهد.

این عواطف، صرفاً تجربه‌های شخصی یا هیجانی نیستند؛ بلکه ستون‌های اصلی شکل‌گیری اخلاق، فرهنگ و روابط انسانی‌اند. در پرتو عاطفه است که انسان می‌تواند دیگری را «درک» کند و در برابر او احساس مسئولیت نماید.

در مقابل، ماشین و سامانه‌های هوش مصنوعی فقط می‌توانند احساسات را مثلاً از طریق انتخاب واژه‌های مهربانانه یا تشخیص حالات چهره شبیه‌سازی کنند؛ اما هرگز قادر به تجربه ذات عاطفه و معنای درونی آن نیستند؛ زیرا احساس، حاصل تعامل روح، آگاهی و اراده آزاد است و نه صرفاً محصول داده و محاسبه. از همین رو، هیچ رایانه‌ای توانا نیست به معنای واقعی کلمه «دوست بدارد»، «امید بورزد» یا «عبادت کند». این ویژگی‌ها، مختص انسان و نشانه پیوند او با امر الهی است.

به هویت و توانایی‌های او دارند. انسان بر اساس آموزه‌های قرآنی، موجودی ممتاز و برگزیده است؛ «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰) و نیز «وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (حجر: ۲۹) این نفخ روح، منبع آگاهی، خلاقیت، اختیار و معنویت انسان است که هیچ ماشین یا ساخت مصنوعی نمی‌تواند آن را بازتولید کند. موارد ذیل، مهم‌ترین ویژگی‌های انسان به شمار می‌روند.

۱. عقل و آگاهی

عقل، برجسته‌ترین شاخصه انسانی است که قابلیت تحلیل، استنتاج و ادراک معنایی را فراهم می‌کند. برخلاف ماشین که داده‌ها را صرفاً پردازش می‌کند، انسان قادر است فراتر از داده‌ها معنا بسازد و تصمیمات خود را بر اساس ارزش‌ها و اخلاق اتخاذ کند. از این منظر، عقل انسان، نه تنها ابزار محاسبه، بلکه وسیله‌ای برای رشد اخلاقی و تعالی معنوی نیز محسوب می‌شود.

۲. اراده و اختیار

انسان در نظام هستی، دارای نوعی اختیار و آزادی است و امکاناتی در فعالیت‌های خود دارد که آن امکانات برای موجودات دیگر حتی حیوانات، وجود ندارد. (مطهری، ۱۳۸۴: ۴۳۵/۱) انسان دارای اراده آزاد است و می‌تواند میان گزینه‌های مختلف انتخاب کند. این ویژگی، او را از ماشین متمایز می‌سازد؛ زیرا کامپیوتر و ماشین و هوش مصنوعی، صرفاً تابع الگوریتم و برنامه‌ریزی قبلی است و نمی‌تواند به‌طور مستقل، اراده یا تصمیم اخلاقی داشته باشد. اراده آزاد، پایه مسئولیت اخلاقی انسان است و منبعی برای رشد فردی و اجتماعی محسوب می‌شود.

۳. خلاقیت و نوآوری

خلاقیت انسانی، نه فقط ترکیب داده‌های پیشین، بلکه تولید ایده‌های نو و ارزشمند است. انسان می‌تواند الهام بگیرد، نوآوری کند و آثار هنری، علمی و فلسفی ایجاد

۵. کرامت انسانی و جایگاه خلیفه‌اللهی

انسان در میان موجودات، از شرافت و کرامت مخصوص برخوردار است و وظیفه و رسالتی خاص دارد. (مطهری، ۱۳۸۴: ۲/۸۳) آفرینش انسان به صورت «احسن تقویم» و با دمیدن روح الهی، به او کرامت ذاتی بخشیده است. این کرامت شامل: توانایی شناخت حق، انتخاب راه درست و دستیابی به معنویت و اخلاق است. در مقابل، ماشین فاقد کرامت، ارزش اخلاقی و معنویت است و اگرچه از توانایی محاسباتی بالایی برخوردار است، اما نمی‌تواند جایگزین انسان شود.

پیدایش رایانه و الهام از انسان

پیدایش رایانه، یکی از بزرگ‌ترین تحولات فکری و فناورانه بشر است. اگرچه هدف اولیه از ساخت آن، انجام سریع محاسبات ریاضی بود، اما به تدریج رایانه به الگویی برای شبیه‌سازی فرآیندهای ذهنی انسان تبدیل شد. در حقیقت، بشر هنگام طراحی نخستین رایانه‌ها، از ساختار ذهن و نظام پردازش اطلاعات در مغز انسان الهام گرفت. به همین سبب، بسیاری از مفاهیم بنیادین علوم رایانه، مانند: «حافظه»، «ورودی و خروجی»، «شبکه عصبی» و «یادگیری»، برگرفته از فهم انسان از خویش است.

بیان تاریخچه و مراحل رشد و توسعه رایانه‌ها، در این مجال نمی‌گنجد؛ ولی

شایسته گفت است که در دهه‌های اخیر، توسعه «شبکه‌های عصبی مصنوعی»، گامی مهم در جهت تقلید از ساختار زیستی مغز انسان بود. در این مدل‌ها، رایانه تلاش می‌کند از طریق اتصال هزاران گره ساده، الگوی یادگیری نوروهای انسانی را بازسازی کند.

در یادگیری انسانی، آموزش، تجربه، معنا و شهود، نقش بنیادین دارند. انسان، نه تنها از طریق داده، بلکه با درک باطنی و ارتباط مفهومی یاد می‌گیرد؛ اما در یادگیری ماشینی، فرایند یادگیری محدود به تحلیل داده‌های گذشته و کشف الگوهای آماری است؛ به بیان دیگر، ماشین یاد می‌گیرد که پیش‌بینی کند؛ نه آنکه معنا را بفهمد.

بنابراین، گرچه رایانه می‌تواند عملکرد شناختی انسان را تا حدی شبیه‌سازی کند، ولی همچنان فاقد درک وجودی از خود و جهان است؛ زیرا آگاهی و اراده در ذات او نیست؛ بلکه صرفاً شبه‌رفتار هوشمندانه دارد.

با نگاهی فلسفی، می‌توان گفت هر دستاورد فناوریانه بشر، جلوه‌ای از الهام الهی و استعداد خلاق است که خداوند در انسان قرار داده است. رایانه نیز یکی از ثمرات همین الهام است. بشر در حقیقت با شناختی که از ساختار مغز، تفکر و حافظه خویش یافته، کوشیده است نظام خلقت را در مقیاسی

کوچک بازآفرینی کند؛ اما همان‌طور که در قرآن کریم آمده است: «وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (اسراء: ۸۵)، علم انسان، محدود و نسبی است و هیچ‌گاه نمی‌تواند به مقام آفرینندگی الهی برسد.

در نتیجه، پیدایش رایانه را نباید جایگزین انسان، بلکه آینه‌ای از توانایی‌های او دانست؛ آینه‌ای که بخشی از قدرت عقلانی انسان را منعکس می‌سازد؛ ولی از درک حقیقت و روح او، ناتوان است.

مقایسه تطبیقی انسان و کامپیوتر

مقایسه انسان و رایانه، در واقع مقایسه دو نوع هستی کاملاً متفاوت است: یکی مخلوق الهی که از روح، معنا و آگاهی برخوردار است، و دیگری مصنوع بشری که ماهیتی صوری، الگوریتمی و فاقد درک وجودی دارد. انسان به‌عنوان موجودی زنده، آگاه و مختار، از ساحت روحانی و الهی بهره‌مند است و می‌تواند معنا بیافریند، تجربه کند و از جهان تفسیر شخصی ارائه دهد؛ درحالی‌که رایانه، تنها مجموعه‌ای از اجزای مادی و دستورهای محاسباتی است که صرفاً داده‌ها را بر اساس قوانین از پیش تعیین‌شده پردازش می‌کند.

شباهت میان انسان و ماشین، در سطح عملکردی مانند: پردازش، محاسبه و

ذخیره‌سازی اطلاعات ظاهر می‌شود؛ اما این همانندی ظاهری، نباید ما را از تفاوت‌های بنیادین میان آن دو غافل کند. انسان در فرآیند ادراک، حضور آگاهانه دارد و قادر است از تجربه خود، معنا و ارزش استخراج کند؛ ولی رایانه از فهم معنایی و شهود درونی، بی‌بهره است. در نتیجه، به‌ظاهر هر دو به تولید و تحلیل داده می‌پردازند؛ ولی در عمق، انسان با مرتبه‌ای از وجود روبه‌روست که به ساحت الهی متصل است؛ درحالی‌که ماشین، تنها بازتابی از توان ذهنی و خلاقیت انسان، در عرصه مادی به شمار می‌آید.

موارد ذیل، مهم‌ترین ساحت‌های تفاوت انسان و رایانه است:

۱. تفاوت در ساختار وجودی

انسان، دارای مراتب وجودی: بدن، نفس، عقل و روح است. این مراتب، او را به جهانی فراتر از ماده متصل می‌کند. از نگاه حکمت متعالیه، نفس انسان «جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء» است (ملاصدرا، ۱۳۶۸: ۸/۳۴۵)؛ یعنی در آغاز، مادی است؛ اما در مسیر تکامل، به مرتبه روحانیت و تجرد می‌رسد. در مقابل، رایانه، موجودی مادی و فاقد هرگونه ساحت روحانی است. عملکرد آن، محدود به سخت‌افزار و نرم‌افزار است و تابع قوانین فیزیکی و منطقی می‌باشد و هیچ لایه متعالی یا آگاهی درونی در آن وجود ندارد.

توسعه سریع فناوری‌های دیجیتال و ظهور هوش مصنوعی در دهه‌های اخیر، یکی از عمیق‌ترین تحولات تاریخ بشر را رقم زده است. امروز ماشین‌ها، نه تنها محاسبه و ذخیره اطلاعات را انجام می‌دهند، بلکه قادرند تحلیل، تصمیم‌گیری و حتی تولید متن، تصویر و ایده‌های خلاقانه را نیز شبیه‌سازی کنند





هستند. عواطف، نقش اساسی در شکل‌دهی به رفتار اخلاقی، تصمیم‌گیری‌های وجدانی و حتی شناخت او از جهان دارند. انسان به سبب همین توانایی در تجربه احساسات، می‌تواند نسبت به دیگران همدلی کند، از رنج دیگران متأثر شود و انگیزه‌ای درونی برای نیکی و عدالت بیابد.

در مقابل، رایانه و سامانه‌های هوش مصنوعی، اگرچه می‌توانند الگوهای رفتاری احساسی را مثلاً از طریق لحن صدا یا انتخاب واژه‌ها در مکالمه شبیه‌سازی کنند، اما در حقیقت، هیچ تجربه درونی از آن احساسات ندارند. آنچه در ماشین رخ می‌دهد، تنها پردازش داده و الگوریتم است؛ نه تجربه زیستن عاطفه. بنابراین، نمی‌توان از «محبت» یا «اندوه» در ماشین سخن گفت؛ جز به صورت استعاری.

از این منظر، رایانه نمی‌تواند فاعل اخلاقی باشد؛ زیرا اخلاق نیازمند نیت، آگاهی و احساس مسئولیت است. تنها موجودی که می‌تواند درد یا لذت، خیر یا شر، و عشق یا نفرت را تجربه کند و موضوع قضاوت اخلاقی قرار گیرد، انسان است.

۶. تفاوت در معنا و هدف وجودی

هدف آفرینش انسان، کمال‌یابی و قرب الهی و در نهایت، بازگشت به سوی خداست؛ «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (انشقاق: ۶) در صورتی که رایانه هدف ذاتی ندارد؛ زیرا وجود چنین هدفی، وابسته به نیت و اراده انسان است. ماشین نمی‌تواند در مسیر کمال گام بردارد؛ زیرا فاقد غایت وجودی مستقل است.

ابعاد دینی و اخلاقی مقایسه انسان و ماشین

از نگاه دینی، ارزش انسان نه در توانایی فنی و محاسباتی او، بلکه در روح الهی و مسئولیت

ماشین، هیچ «سوژه ادراک‌کننده‌ای» وجود ندارد و فقط این داده‌ها هستند که بر اساس دستورهای از پیش تعریف‌شده پردازش می‌شوند. از این رو، آگاهی در رایانه، تقلیدی است و در واقع، صورتی از فهم است؛ نه تجلی حقیقی آن.

۳. تفاوت در اراده و اختیار

اراده در انسان به معنای انتخاب

آگاهانه بر پایه درک خیر و شر است. این ویژگی، بنیاد مسئولیت اخلاقی و معنوی اوست. ماشین، بر خلاف انسان، هیچ‌گونه اختیار و تصمیم‌گیری حقیقی ندارد؛ زیرا تصمیم‌هایش تابع الگوریتم‌هایی است که توسط انسان‌ها طراحی شده‌اند؛ حتی در مدل‌های هوش مصنوعی، تصمیم‌گیری مبتنی بر احتمالات آماری است؛ نه انتخاب اخلاقی یا معنوی.

۴. تفاوت در خلاقیت و تولید معنا

خلاقیت انسانی، برخاسته از روح و تخیل فعال است. انسان قادر است، پدیده‌ای نو بیافریند که پیش از آن وجود نداشته است؛ در حالی که رایانه صرفاً با بازترکیب داده‌های موجود، ظاهری از نوآوری ایجاد می‌کند.

۵. تفاوت در عاطفه و وجدان اخلاقی

انسان، موجودی احساسی و عاطفی است؛ احساساتی همچون: عشق، ترحم، اندوه، امید و ایمان، نه صرفاً واکنش‌های زیستی، بلکه نمودهایی از ساحت روحانی و انسانی او

۲. تفاوت در آگاهی و ادراک

آگاهی انسانی، نوعی ادراک حضوری و درونی است؛ به این معنا که انسان، نه تنها از پدیده‌های بیرونی، بلکه از خود و حالات ذهنی و عاطفی خویش نیز آگاه است. او «می‌فهمد که می‌فهمد» و می‌تواند به آگاهی خویش آگاهی یابد؛ امری که نشانه‌ای از خودآگاهی و حضور نفس است. در مقابل، رایانه قادر است میلیاردها محاسبه را با دقتی خیره‌کننده انجام دهد؛ اما هیچ‌گونه «احساس از انجام آن» ندارد؛ یعنی هیچ تجربه درونی یا شعوری نسبت به فرایندهایش در او شکل نمی‌گیرد.

از دیدگاه فلسفه اسلامی و حکمت متعالیه، آگاهی انسان ریشه در «روح» او دارد و روح، مبدأ همه ادراکات و دریافت‌های حضوری است. نفس انسانی، از مرتبه‌ای فراتر از ماده برخوردار است و به همین دلیل، می‌تواند هم خود و هم جهان را به شکل حضوری درک کند؛ اما آنچه ما در مورد آگاهی ماشین می‌گوییم، در واقع نوعی تشبیه یا استعاره زبانی است؛ نه آگاهی حقیقی. در



شباهت میان انسان و ماشین، در سطح عملکردی مانند: پردازش، محاسبه و ذخیره سازی اطلاعات ظاهر می شود؛ اما این همانندی ظاهری، نباید ما را از تفاوت های بنیادین میان آن دو غافل کند. انسان در فرآیند ادراک، حضور آگاهانه دارد و قادر است از تجربه خود، معنا و ارزش استخراج کند؛ ولی رایانه از فهم معنایی و شهود درونی، بی بهره است



ارزش، نه توانایی ساخت ماشین، بلکه «احسن عمل» است؛ یعنی نیکوترین عمل یا آنچه با نیت پاک، عدالت و خیر انجام شود.

پس، اگر انسان از هوش مصنوعی برای خدمت به خلق و پیشرفت اخلاقی جامعه استفاده کند، در مسیر الهی حرکت کرده است و اگر آن را ابزار سلطه یا فریب قرار دهد، از کرامت خویش فاصله گرفته است.

در جمع بندی می توان گفت: در نگاه اسلامی، انسان نه به سبب هوش طبیعی یا مصنوعی، بلکه به دلیل روح الهی، اختیار و مسئولیت اخلاقی، بر همه مخلوقات برتری دارد. رایانه و هوش مصنوعی، اگرچه از دستاوردهای شگرف بشری اند، اما تنها زمانی سودمند خواهند بود که در خدمت ارزش های الهی و کرامت انسان قرار گیرند.

نتیجه بحث

انسان و رایانه، در ظاهر در برخی کارکردها اشتراک دارند؛ اما در حقیقت، از دو سنخ وجودی متفاوت اند. رایانه و هوش مصنوعی، محصول عقل و خلاقیت انسان اند و تنها در چارچوب قوانین مادی و الگوریتمی عمل می کنند؛ درحالی که انسان موجودی است دارای مراتب، برخوردار از عقل، اراده، وجدان و روح الهی.

(اسراء: ۷۰) کرامت در این آیه، محصول توانایی فنی نیست و در حقیقت، موهبتی الهی است. بنابراین، هرگونه سنجش انسان بر پایه بهره وری ماشینی، نوعی غفلت از حقیقت کرامت انسانی محسوب می شود.

در منطق قرآن، حتی انسانی که ضعیف یا ناتوان است، به سبب انسان بودنش دارای حرمت است؛ درحالی که در منطق فناوری، ارزش هر عنصر به میزان عملکرد و بازدهی او سنجیده می شود. این تفاوت، نشانگر دو نظام ارزش گذاری کاملاً متمایز است.

از منظر کلامی، جایگاه انسان در هستی، «خلافت الهی» است؛ «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰) این مقام، به معنای نمایندگی خدا در زمین و امانت داری از اوست. خلیفه خدا، مظهر صفات الهی است؛ نه تقلیدگری از ویژگی ها و صفات ربانی. در مقابل، ماشین، تنها انعکاس بخشی از علم بشری است و فاقد مقام خلافت یا الهام قدسی است. انسان با اختیار و عشق خویش می تواند راه کمال را بییماید؛ ولی ماشین، فاقد چنین مقصدی است.

توسعه فناوری های هوشمند، نوعی آزمون الهی برای بشر معاصر است. خداوند در قرآن می فرماید: «لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (ملک: ۲) این آیه، یادآور می شود که معیار

اخلاقی اوست. قرآن کریم آفرینش انسان را با دمیدن روحی از سوی خداوند توصیف می کند: «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر: ۲۹) در این بیان، شرافت انسان از منشأ الهی اش سرچشمه می گیرد؛ نه از هوش و قدرت او. از همین رو، هیچ ماشین یا هوش مصنوعی، حتی با پیشرفته ترین الگوریتم ها، توانایی دستیابی به این مرتبه را ندارد.

انسان در جهان بینی اسلامی، موجودی مکلف و دارای اراده آزاد است. او نه صرفاً عامل انجام کار، بلکه فاعلی آگاه و مسئول است؛ البته رایانه و سامانه های هوش مصنوعی، گرچه به ظاهر تصمیم گیری می کنند، اما فاقد «نیت» و «قصد اخلاقی» هستند. فعل اخلاقی، زمانی معنا دارد که از علم، اختیار و نیت سرچشمه بگیرد و نه از الگوریتم و شرط منطقی.

از این رو، حتی اگر ماشین رفتاری درست انجام دهد، نمی توان آن را «اخلاقی» دانست؛ زیرا اخلاق بر پایه اختیار و مسئولیت استوار است؛ نه کارکرد مکانیکی.

یکی از خطرات جدی دوران هوش مصنوعی، فراموشی کرامت انسانی در برابر کارایی و سرعت ماشین هاست. اسلام بر کرامت ذاتی انسان تأکید دارد؛ «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»



در نگاه اسلامی، انسان نه به سبب هوش طبیعی یا مصنوعی، بلکه به دلیل روح الهی، اختیار و مسئولیت اخلاقی، بر همه مخلوقات برتری دارد. رایانه و هوش مصنوعی، اگرچه از دستاوردهای شگرف بشری اند، اما تنها زمانی سودمند خواهند بود که در خدمت ارزش‌های الهی و کرامت انسان قرار گیرند



- از دیدگاه فلسفی، آگاهی و شعور انسانی را نمی‌توان به محاسبه و داده تنزل داد. ماشین می‌تواند رفتار آگاهانه را تقلید کند؛ اما ادراک و تجربه آگاهی در او پدید نمی‌آید. در حکمت اسلامی، انسان موجودی است که در مسیر حرکت جوهری از ماده تا عقل، به مرتبه‌ای از تجرد و الهی بودن می‌رسد. او نه تنها داننده، بلکه خودآگاه دانستن خویش است. از این رو، هیچ فناوری، هرچند در ظاهر پیچیده و دقیق، نمی‌تواند حامل بُعد روحانی و معرفتی انسان باشد.
- از منظر دینی نیز، برتری انسان در روح الهی و مسئولیت اخلاقی اوست. انسان، خلیفه‌الله است؛ البته نه به سبب هوش عددی؛ بلکه به واسطه اراده، اختیار و توان تشخیص خیر و شر. او مأمور است که فناوری را در خدمت ارزش‌های الهی و کرامت بشری به کار گیرد؛ چنان‌که امیر مؤمنان علی(ع) می‌فرماید: «قِيَمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ». (نهج البلاغه، حکمت ۸۱)
- در پرتو این نگرش، می‌توان گفت: رایانه، مخلوق انسان است؛ انسان، مخلوق خداست و خالق، هرگز در حد مخلوق خویش خلاصه نمی‌شود. بنابراین، اگرچه رایانه و هوش مصنوعی توان‌هایی شگرف در پردازش، تحلیل و حتی تصمیم‌سازی یافته‌اند، اما همچنان در قلمرو ابزار باقی می‌مانند. ارزش
- حقیقی، در فاعل «آگاه» و «اخلاقی» نهفته است؛ نه در ابزار بی‌روح و بی‌اراده.
- از دیدگاه اسلامی، علم و فناوری تا زمانی ارزشمندند که در خدمت تعالی انسان باشند. هرگاه فناوری جایگزین معنا شود، انسان از مقام خلافت سقوط می‌کند؛ اما اگر علم، آگاهی و فناوری در مسیر رشد انسانی و معنوی بشر به کار گرفته شوند، همان عقل الهی است که در خدمت جامعه و در مسیر بندگی خداوند قرار گرفته است.
- در نتیجه، مقایسه نهایی چنین است: انسان، موجودی آگاه، مختار، اخلاقی و الهی است؛ ماشین، ابزاری مادی، محاسباتی و فاقد تجربه و معناست؛ برتری انسان، نه در سرعت و قدرت، بلکه در روح و معناست؛ فناوری و هوش مصنوعی، آینه‌ای از توان خدادادی عقل انسان است؛ این آینه، بدون نور حقیقت و اخلاق، تصویری ناقص و گمراه‌کننده از انسان می‌سازد. پس، راه درست آن است که انسان الهی، راهبر فناوری باشد؛ نه پیرو آن. تنها در این صورت است که پیشرفت مادی، با تعالی معنوی هماهنگ خواهد شد. ■
- منابع
۱. قرآن کریم.
 ۲. نهج البلاغه.
 ۳. صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم. ۱۳۶۸. الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، قم: مکتبة المصطفوی.
 ۴. مطهری، مرتضی. ۱۳۸۴. انسان و سرنوشت (مجموعه آثار، ج ۱)، تهران: انتشارات صدرا.
 ۵. —. ۱۳۸۴. جهان‌بینی توحیدی (مجموعه آثار، ج ۲)، تهران: انتشارات صدرا.